تحولات سوریه؛ بررسی و ارزیابی آرایش جغرافیایی نیروهای درونی و گرایش بیرونی آنان

دریافت مقاله:۹۱/۴/۳ پذیرش نهایی:۱۹ /۹۱/۱۰
صفحات:۱۲۲-۱۱۱

پرستو موفقیان : دانش آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران[1]
Email:P_movafaqiyan@yahoo.com
سیدعباس احمدی: استادیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه تهران
Email:sayedabasahmadi@@yahoo.com
یاسر عظیمی: دانش آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
Email:yazimi@yahoo.com

چکیده

در حالی که زمان خیزش و پیروزی در تونس، لیبی و مصر کوتاه مدت بود و دولت های متکی به ارتش و طبقه‌ی دیوان سالار در برابر خواست اکثریت شهروندان به سرعت تسلیم شدند، روند فرایند تحولات سوریه حاکی از ایستادگی نظام سیاسی حاکم است. کدامین زمینه ها و بسترها موجبات به درازا کشیده شدن خیزش در سوریه شده است؟ این پژوهش با دستیازی به اسناد و اطلاعات دانشگاهی و معتبر و با روش توصیفی- تحلیلی، کوشش کرده است نقش و چشم انداز صف‌بندی‌های پیچیده سوریه را در نواحی مختلف جغرافیایی، ترسیم، بررسی و ارزیابی نماید. در همین ارتباط و در مرحله استدلال و نتیجه گیری کوشش شده است، صف‌بندی این نیروها را با توجه به گرایش بیرونی آنها به تصویر کشیده و تاثیرشان را در به درازا کشیدن انقلاب یا خیزش در این کشور عربی تشریح نماید. به نظر می‌رسد که دولت سوریه به دلیل برخورداری از حمایت علویان، مسیحیان، دروزها، و یزیدیه‌ها، کنترل محورهای استراتژیک مرزی و حمایت دولت های ایران، عراق، لبنان، روسیه و چین در کوتاه‌مدت و میان‌مدت توانایی کنترل ناآرامی‌ها را دارا می‌باشد.

کلید واژگان: چشم انداز خیزش، زمینه‌ها و بسترها، ژئوپلیتیک قوم ها، مسیحیان، سوریه.

---

[1]. نویسنده مسئول: تهران- حصارک- دانشگاه آزاد اسلامی-واحد علوم و تحقیقات تهران

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

مقدمه

بیشتر کشورهای درگیر در بهار اسلامی مانند تونس، مصر، لیبی، سوریه و یمن دستکم در سراسر نیم قرن اخیر، از دیدگاه نوع رژیم شرایطی تقریبا مشابه را آزموده اند. از جمله:

۱- حکومت‌هایشان ماهیتی لاییک_ سکولار داشته اند؛

۲-این ارزش‌های لاییک- سکولار، به وسیله تحمیل و سرکوب در جوامع شان رسوخ یافته‌اند؛

۳- نیروهای مذهبی توانسته‌اند خود را به عنوان گزینه دلسوز مردم و حافظ ارزش‌های سنتی آنان بنمایانند؛

۴-غربی‌ها نیز که کلیه این جوامع را در دو قرن اخیر در قید سیاست های استعماری خود داشته اند و همه آنها را اقمار خود می‌دانند، به این سیاست متوسل شده اند که با میدان دادن به مذهبی ها، هم رضایت مردم جلب می‌گردد و هم از لغزش مذهبیون به سوی بنیادگرایی و تروریسم جلوگیری می‌شود (کین راس، ۲۰۰۹ : ۳).

برقراری این گونه محاسبات در کشورهای عربی و شکاف و گسل فزاینده میان مردم- حکومت ها، از چند دهه قبل، زمینه را برای سقوط این رژیم ها مهیا ساخته بود. چنان در آغاز سده ۲۱، در یک کتاب درسی جغرافیایی چنین پیش بینی شد:"این نظام ها حداکثر طی دو دهه آینده با ورود و گسترش امواج ملی‌گرایی عربی[1]، بنیادگرایی اسلامی[2] و تجدد طلبی جناح های درونی خانواده های حاکم بر امیر نشین ها، دگرگونی های بارزی را تجربه خواهند کرد. ولی اهمیت مکانیزم این تغییرات کمتر از خود تغییرات نیست" (کریمی‌پور،۱۳۷۹: ۱۹۶). در همین اثر پیش بینی شده که رژیم‌های بنیادگرای اسلامی و یا ملی‌گرا جایگزین نظام‌های قبلی خواهد شد.

مشابه بودن فضا در کشورهای شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا شامل تونس، مصر، لیبی، سوریه، بحرین و اردن و در مقیاس کوچکتر عربستان سعودی، الجزایر، عمان، کویت، مراکش، موریتانی و سودان زمینه ساز شعار واحد همه توده‌های عرب از میان شهروندان همه این کشورها را فراهم آورده است. از کازابلانکا در کنار اقیانوس اطلس حمص و ادلب در شام، مردم فریاد واحدی سر دادند: الشعب نرید سقاط النظام(Korotayeva, 2011:139-65).

ولی با وجود تشابه شعارها در ۱۶ کشوری که در حال تجربه انقلاب یا خیزش موسوم به بهار اسلامی هستند، دستاوردها، پیامدها و مکانیزم های انقلاب و خیزش بسیار متفاوت بوده است.

---

[1]. Arabic nationalism

[2]. Islamic fundamentalism

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

همین تفاوت‌ها در پیامدها و دستاوردها زمینه ساز پرسش‌های متعددی بوده است. از جمله تفاوت بارز میان تاریخ آغاز و پایان خیزش‌ها در این کشورها است. به عبارت دیگر در حالی که خیزش ها در سه کشور تونس، مصر و تا حدودی لیبی کوتاه یا میان مدت بود، در سوریه و یمن انقلاب یا خیزش هنوز در جریان است علل و زمینه های طولانی شدن خیزش و به نتیجه نرسیدن ان در این دو کشور کدامند؟ این پژوهش کوشیده است تا این پرسش‌ها را در مورد سوریه مورد کندوکاو قرار دهد.

جدول (۱) چکیده رخدادهای بهاراسلامی در۵ کشور منتخب

ردیف	کشور	تاریخ آغاز	تاریخ پایان	نوع خیزش	پیامدها	شمار کشتگان
۱	تونس	۱۸ دسامبر۲۰۱۰	۱۴ژانویه۲۰۱۱	تظاهرات خیابانی	فروپاشی رژیم	۲۲۳
۲	مصر	۲۵ ژانویه۲۰۱۱	۲۵ژانویه ۲۰۱۱	تظاهرات خیابانی	فروپاشی رژیم و سقوط مبارک	۳۰۲
۳	لیبی	۱۳ژانویه۲۰۱۱	۲۶فوریه ۲۰۱۱	جنگ داخلی	فروپاشی رژیم	۱۳۰۰۰
۴	یمن	۱۴ژانویه۲۰۱۱	به‌نسبت ناامن	تظاهرات خیابانی جنگ محدود داخلی اختلافات قبیله‌ای	تغییر در دولت/ اختلال در نظم اجتماعی/ اعلام برکناری رئیس جمهور	بیش از ۱۵۰۰
۵	سوریه	۲۶ژانویه۲۰۱۱	ادامه دارد	جنگ داخلی	بین المللی شدن نبرد داخلی	بیش از۶۰۰۰۰

مأخذ: 1-tunisia protests against Benali left 200 dead; says UN, BBC February 1, 2011
2-http://www.bbc.co.uk/ world Middle East 1234166.
.3-http://www.hrw.org/Egypt_live_updates

طرح مسئله

از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ هزاران و تا امروز صدها هزار معترض در چندین کانون شهری درعا، حمص، دمشق، ادلب و... پیاپی در حال تظاهرات خیابانی هستند. جمعه عزت، جمعه مقاومت، جمعه شهدا، جمعه مبارزه و جمعه آزادگان نام های تظاهرات نمادگونه‌ای است که تقریباً هر جمعه در کانون‌های شهری علیه بشار اسد و نظام‌های بعثی به وقوع می‌پیوندد. تاکنون بیش از

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

۶۰۰۰۰ نفر از معترضان سوری کشته شده و حدود دهها هزار نفر نیز دستگیر شدند. بیش از صدها هزار نفر نیز از سوریه به کشورهای ترکیه و لبنان گریخته‌اند. اتحادیه عرب، ترکیه، اتحادیه اروپایی و ایالات متحده، رژیم سوریه را تحت فشارهای گوناگون از جمله تحریم اقتصادی قرار داده اند. از دسامبر۲۰۱۱ بیش از ۱۵۰ نفر از ناظران عربی برای بررسی و کنترل اوضاع و ارائه گزارش به دبیرخانه اتحادیه عرب وارد سورریه شده‌اند ولی اوضاع امنیتی این کشور همچنان در روندی فزاینده رو به تیرگی است.

ولی در تمام دوره خیزش یکساله، انقلابیون و مخالفین اسد نتوانسته‌اند سازه‌های بنیادی نظام را دچار اختلال کلی نموده و زمینه‌ساز از هم پاشیدگی آن را فراهم آورند. به عبارتی دیگر، میان رژیم و مخالفین نوعی تعادل قوا یا تعادل انرژی به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که نه مخالفین توانایی فروپاشی رژیم را همانند آنچه در تونس و مصر و لیبی روی داد دارند و نه رژیم توانایی سرکوبی مخالفین را. نقش آرایش جغرافیایی نیروهای متمایل به مرکز و گریز از مرکز و گرایش‌های بیرونی آنها در چنین نظمی چیست؟ پراکنش جغرافیایی و توانایی نیروهای مخالف و موافق رژیم بعث در ایجاد چنین تعادل و توازن قهرآمیزی تا چه اندازه موثر بوده و تا کجا می‌تواند تداوم یابد. تلاش محوری این پژوهش کیفی با بهره‌گیری از روش تحلیلی- توصیفی و مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای فراهم ساز پاسخ مناسب به این پرسش کلیدی است.

پیشینه‌ی پژوهش و فرضیه

پس ازگذشت یکسال از خیزش سوریه صدها گزارش، مقاله، یادداشت و کتاب در مورد تحولات سوریه، گرافیک‌های اطلاع‌رسانی، ابعاد و آینده، زمینه‌ها و بسترهای آن انتشار یافته است. در مجموع سه رویکرد کلی در کارهای دانشگاهی و معتبر انتشاریافته در این ارتباط به چشم می خورد.

۱- در رویکرد نخست که می‌توان در قالبی عمومی به آن نام "سوریه ستیز[1]" یا "اسد ستیز" داد، همه‌ی طرح و برنامه‌ها و اقدامات و مواضع رژیم اسد برای جلوگیری از پیروزی خیزش، مردود، شکست خورده و بی سرانجام دانسته شده و علت ناکام ماندن خیزش به حمایت های ایران، روسیه، حزب الله لبنان، حماس و... خاندان اسد و دولت بعث شمرده می‌شوند (سمیر امین،۲۰۱۱ : ۱۵).

[1]. Syrian conflict

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

۲- رویکرد دوم که می‌توان در قالبی عمومی به آن نام "سوریه دولت" یا "اسد دولت داد"، خیزش مردم سوریه فرقه‌ای، کم‌بنیه، بدون یا کم‌پشتوانه از دیدگاه مردمی یا شهروندان دانسته شده است. این رویکرد، ناتو، ایالات متحده، اتحادیه اروپایی، اتحادیه عرب، اسرائیل و فریب خوردگان داخلی را محور اصلی تحریک نا آرامی‌های سوریه می‌دانند. پیش بینی این رویکرد ان است که در نهایت، دولت اسد بر ناآرامی‌ها پیروز شده و اوضاع به روال عادی برخواهد گشت.

۳- رویکرد سوم که می‌توان آن را در قالبی کلی، بی‌طرف و علمی محسوب نمود، بر آن است که ضمن بررسی و هم پوشی تحولات سوریه در قالب کلی بهار اسلامی، با ترسیم گرافیک‌های اطلاع‌رسانی خیزش و نیروهای درگیر در آن، چشم‌انداز کنونی و آینده‌ی سوریه را پیش‌بینی نماید.

این پژوهش تحلیلی نیز، در جهت ارتقای بررسی‌های دانشگاهی و معرفتی و برای فراهم آوردن پاسخ‌های مناسب برای پرسش کلیدی مقاله در راستای رویکرد سوم حرکت می‌کند. فرض اصلی این پرسش آن است که: علت دیرپایی و دیرمانی خیزش مردم سوریه و توفیق نیافتن آن به نسبت انقلاب‌های تونس و مصر را باید در آرایش، ترکیب و پراکنش جغرافیایی نیروهای واگرا و همگرا نسبت به رژیم اسد دانست.

بحث و استدلال

۱۴ سال پیش در متنی دانشگاهی فروپاشی رژیم خاندانی اسد و حتی مکانیزم آن پیش بینی شد:

"بحث سوریه از دیدگاه ایدئولوژیک، ملغمه‌ی پیچیده و معجونی را برای اداره شام فراهم آورده است. رژیم ترکیبی با آموزه‌های لاییسیته، سکولاریسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم عربی وحتی اسلام. ولی این رژیم در واقع نوعی الیگارشی طایفه‌ای از اقلیت علوی مسلک می‌باشد که در آینده ناگزیر زیر فشار اکثریت سنیان خورد خواهد شد. اقلیت حاکم سوریه که نماد آن خاندان اسد و شخص حافظ اسد می‌باشد، پایگاه عمیق در میان مردم شام ندارد، ولی همواره از پشتیبانی غیر سنی ها برخوردار خواهد بود. بدون تردید هر گونه تحول در رژیم بعثی سوریه به نفع اکثریت، به اغلب احتمال سهل نبوده و با مقاومت سرسختانه علویان روبرو خواهد شد..."(کریمی‌پور،۱۳۷۷ص ۶۱).

ولی کریمی‌پور به رغم پیش بینی ها، در ادامه بحث نتوانسته چشم اندازی دقیق و روشن از آرایش نیروهای مخالف و موافق رژیم بعثی ترسیم نماید. در عین حال وی عراق را در صف دشمنان سوریه دیده و به جایگاه ایران و ترکیه در تحولات این کشور بهای چندانی نداده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

با بررسی های گوناگون این پژوهش نقش چند عامل در فراز و نشیب خیزش مردم سوریه برای تغییر رژیم، انکار ناشدنی شناخته شده است. پیش از هرگونه ارزیابی، ابعاد این عوامل و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته است.

-اقلیت پشتیبان رژیم

خانواده اسد و کانون مدیریت سیاسی- امنیتی سوریه را علویان که در سوریه"نصیریه" نامیده می‌شوند، تشکیل می‌دهد. برآوردهای مختلفی در مورد درصد جمعیتی آنان در کل جمعیت سوریه به عمل آمده است، از دستکم ۱۳ تا ۱۸ درصد. ولی به احتمال فراوان نصیریه دست‌کم ۱۵ درصد مردم سوریه را تشکیل می‌دهند. (S-khouvy,1987:100)

نصیریه که خود را دوازده امامی می‌دانند، برای دهه ها و شاید سده‌ها تحت فشار و ستم مضاعف امپراطوری عثمانی و حکومت های قبل از آنها قرار داشته اند. آنها می‌دانند که با از دست دادن مدیریت کلان سوریه، جایی امن در تمام شام برای آنها وجود ندارد. خطر قتل عام همگانی و یا دست کم انتقام گیری گسترده از فردای فروپاشی رژیم کنونی سوریه، همه‌ی آنان را تهدید می‌کند. همین خطر زمینه ساز همبستگی و پیوستگی درونی آنان را فراهم آورده است. در عین حال خاندان اسد پیش از همه به پشتیبانی این اقلیت و نقش برجسته‌ی مدیریتی آنان وابسته بوده است.(Moshe, 1986 : 32)

نقش نصیریه(علویان سوریه) در پشتیبانی از رژیم حاکم بر سوریه، از دو دیدگاه محوری است:

الف- مدیریت کلان. اغلب کادرهای کلان مدیریتی و پست‌های کلیدی در رده‌های نظامی- امنیتی در اختیار همین اقلیت است.

ب- پراکنش جغرافیایی استراتژیک.

بیش از ۹۰ درصد علویان سوریه در استان ساحلی و فوق العاده استراتژیک لاذقیه زندگی می‌کنند. در واقع بیش از ۸۰ درصد مناطق روستایی این استان مدیترانه‌ای علوی به شمار می‌روند. بقیه جمعیت علوی در دمشق و نقاط حساس شهری استقرار دارند .(U.S. Department of State,2006: 56)

ج- پیوندهای عاطفی و مذهبی علویان ترکیه و سوریه در صورت فعال شدن علوی های ترکیه، می‌تواند در تعدیل موضع گیری‌های آنکارا علیه دمشق بسیار موثر وحتی تعیین کننده باشد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

-دیگر حامیان رژیم

مسیحیان ارتدکس با جمعیت دستکم ۱۰ درصدی و نیز دروزها و یزیدیان که ۴ درصد مردم سوریه را دربر می‌گیرند، دومین سنگر دفاع از نظام کنونی سوریه را تشکیل می‌دهند (www.syrianow.sy.12/10/1). سهم دروزی‌ها در استان مرزی سویدا و منطقه جبل العرب بیش از ۹۰ درصد است. آنان اکثریت مطلق را در ۱۲۰ روستای این استان استراتژیک در اختیار دارند.

همچنین ۱۵ درصد از جمعیت استان حماته را شیعیان جعفری تشکیل می‌دهند و بیش از ۱۰۰۰۰ اسماعیلی استان لاذقیه نیز متمایل به حفظ نظام بعثی هستند. ارتدکس ها بیشتر در دمشق، حلب، ونیز در چند شهرک از استان های لاذقیه، حمص و درعا و نیز حسکه مستقرند. همه این اقلیت های مذهبی که بیش از ۱۴درصد از جمعیت سوریه را به خود اختصاص داده‌اند (U.S. Depa,nmrtment of State, 2006 P. 74) با این منطق پشتیبان حافظ نظام کنونی به شمار می‌روند که در صورت استقرار یک حکومت سلفی و بنیادگرایانه سنی، آنان امنیت خود را از دست خواهند داد.

آنان دیدگاه‌های اخوان المسلمین، گروه‌های سلفی و القاعده را برای برپایی حکومت اسلامی در شام در تضاد با سرنوشت و آینده خود دانسته و به همین دلیل پس از علویان، سنگر دوم دفاع از نظام حکومتی را تشکیل می‌دهند.

- وزنه تعادلی کرد

گرچه بیش از ۷۲ درصد باقیمانده جمعیت سوریه را سنی‌ها تشکیل می‌دهند، ولی دست کم ۱۰ درصد از این جمعیت را کردها تشکیل می‌دهند که اکثریت جمعیت استان حسکه را تشکیل داده است. کردهای سوریه به نسبت کردهای ترکیه، ایران، عراق، در دوران حافظ اسد و سیاست پان عربیسم بعث در بدترین وضعیت به سر می‌بردند. سوریه تا پیش از ۲۰۰۶ با انکار هویت قومی کرد، برای آنها هویت عربی قایل بود، یعنی همان سیاست تک ملتی ترکیه تا پیش از دوره اصلاحات. هویت جمعیت ۱۰ درصدی کرد همواره از جانب بعثی‌ها انکار می‌شد. استان حسکه به ویژه مناطق کردنشین آن فقیرترین استان کشور را تشکیل می‌دهد. حتی در سال ۱۹۶۲ حکومت سوریه حق شهروندی را از صدها هزار کرد سلب نمود و آنان را از آمار رسمی کشور حذف کرد(Human Rights issues, 2011) .

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

هرچند در آغاز سال ۲۰۰۹ سوریه دوباره هویت شهروندی کردها را به آنان برگرداند، ولی هنوز مناطق کرد نشین سوری از دیدگاه شاخص‌های توسعه انسانی در بدترین وضعیت به سر می‌برند.

با وجود این کردهای استان مرزی حسکه به نسبت شهروندان حمص، حماه، ادلب و درعا، گرایش برای پیوستن به انقلاب ضد اسد را نشان نداده اند. گرچه واهمه‌ی کردها از تشکیل حکومتی بنیادگرا و عربی کمتر از دروزها، یزیدی ها و مسیحیان است، ولی آنان هرگز به چنین نوع حکومتی دل نبسته اند. آنان رژیمی سکولار را برای حکومتی مذهبی ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر پشتیبانی ترکیه از اخوان المسلمین سوریه در امتناع کردها از این جنبش موثر است. آنان به هر روی از تقویت نفوذ ترکیه و هم پیمانی استراتژیک آنکارا- دمشق در هراسند.

به هر روی کردها با وجود تحمل ستم مضاعف در سوریه هنوز گرایش عملی خود را برای پیوستن به خیزش بروز نداده اند. از این دیدگاه می‌توان آنان را وزنه‌ی تعادلی استراتژیک سوریه شمرده وزنه‌ای که به هر سو متمایل شود، زمینه‌ی برهم زدن تعادل را فراهم خواهد آورد. به ویژه این که استان مسکه دارای موقعیت استراتژیک مرزی با مرزهای ترکیه است.

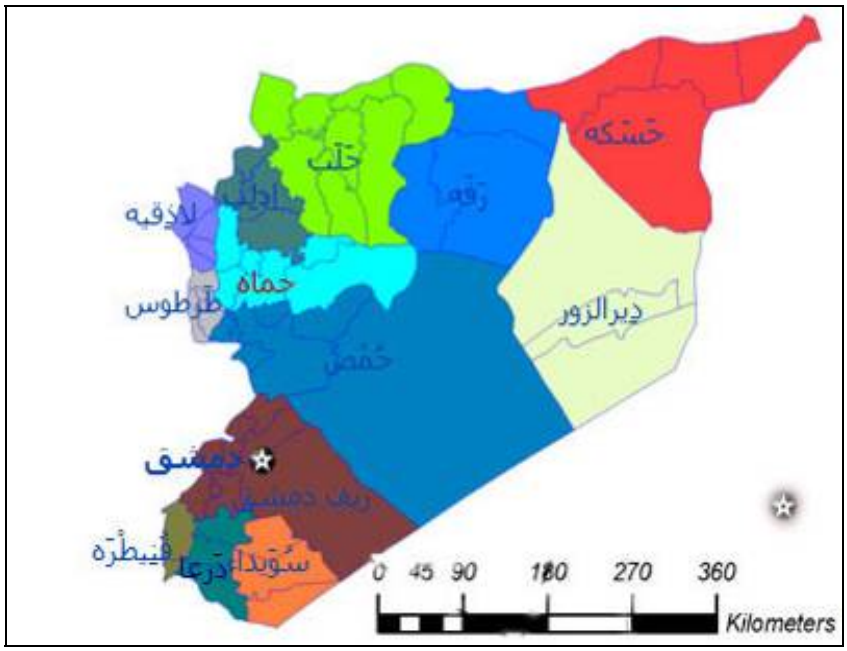

شکل(۱) تقسیمات کشوری سوریه (مأخذ: Cia_the word facbook.2012/10/1)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

-کانون‌های خیزش: ناهماهنگی‌ها

استان های حمص، حماته و ادلب در مرکز و شمال غربی سوریه و استان درعا در جنوب، کانون‌های اصلی تظاهرات و مخالفت با رژیم اسد به شمار می‌روند. استان‌های حلب و دمشق از این نظر در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند. این ۴ استان بر روی هم بیش از یک سوم جمعیت سوریه را در خود جای داده است. چنانچه استان حلب نیز به آن اضافه شود، شمار جمعیت کل این استان‌ها، حدود نصف جمعیت ۲۰ میلیونی سوریه را تشکیل می‌دهد.

ولی کارایی این جمعیت چندین میلیونی برای پیروزی قاطع در نبرد با رژیم بعث، از چند دیدگاه بسنده نیست:

الف-نخست آنکه پایگاه مخالفین بیشتر در مناطق روستایی است. کانون‌های شهری به عنوان دشمن طبقه متوسط شهری تا کنون نتوانسته‌اند جمعیت‌های میلیونی و یا حتی چندصد هزار نفری را در مخالفت با رژِیم اسد جمع نمایند.

ب-حلب به عنوان دومین شهر پر جمعیت سوریه پس از دمشق بر خلاف حمص، حماه و شهر کوچک درعا، بیرون از دایره‌ی جنبش و خیزش قرار داشته است. مفتی اعظم اهل تسنن سوریه که با بشار اسد ارتباطی تنگاتنگ دارد، حلبی است. حلبی‌ها تا حدود زیادی پیرو عقاید و مواضع وی هستند. همین عامل زمینه‌ی دور شدن نسبی این کانون بزرگ جمعیتی از جریان خیزش را مهیا کرده است.

از سوی دیگر، حلبی‌ها هنوز خاطره کشتار گسترده ۱۹۸۲ حافظ اسد را فراموش نکرده‌اند. به همین دلیل مواضع دلیل محتاطانه‌تری نسبت به تندروی‌ها از خود بروز می‌دهند.

ج- تراکم نسبی جمعیت در استان دیر الزور و مرکز جنوب خاوری حمص و رقه، زمینه‌ی تراکم مخالفت‌های تجمعی را از سه استان گرفته است. دراستان حمص تظاهرات تنها در کانون‌های جمعیتی شمال باختری به انجام می‌رسد. گرچه این عوامل تاثیر منفی شگرفی بر ایجاد هماهنگی مخالفین در رویارویی با رژیم اسد داشته است، ولی نقش تکمیلی در این زمینه را فضای پیرامونی سوریه و تاثیر آن در باقی ماندن توانایی بعثی ها به عهده دارد.

- سوریه و همسایگان

فضای پیرامونی سوریه دو نقش متفاوت را برای مخالفین رژیم اسد و دولت بعثی به ارمغان آورده است. در یک برآیند کلی، دولت سوریه توانسته است با بهره گیری از این امتیاز، قدرت مانور مخالفین را برای دریافت پشتیبانی خارجی، محدود و متمرکز نمایند. نگاهی به این فضاها در روشن شدن این حکم موثر است:

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

۱- سوریه از دو جبهه شرقی(عراق) و غربی (لبنان) نه تنها نگرانی ندارد، بلکه اغلب پشتیبانی بیرونی‌اش را از همین دو مرز جلب می‌نماید. دولت شیعی عراق پشتیبانی قاطع و تعیین کننده و همه جانبه‌ای را از دمشق به عمل می‌آورد. در سوی غرب نیز رژیم اسد از حمایت گسترده و موثر حزب الله برخوردار است.

۲- ساحل مدیترانه‌ای سوریه در بر گیرنده‌ی دو استان لاذقیه و طرطوس است. پنج بندر استراتژیک لاذقیه، جبله، طرطوس، اروادو، بانیاس در خط ساحلی این استان ها قرار دارند.

استان لازقیه موطن اصلی علویون (نصیریه) است، در استان طرطوس نیز میزان حامیان رژیم بعث به مراتب فزون‌تر از مخالفین است. به هر روی دولت بعثی سوریه کمترین واهمه‌ای از برهم خوردن تعادل‌های امنیتی در این خط ساحلی ندارد.

۳- مرز کوتاه با اسرائیل، به عنوان مرزی امنیتی و کاملاً بسته شمرده می‌شود که تا کنون در تحولات اخیر سوریه نقشی نداشته است.

۴- در همسایگی مرز کوتاه با اردن، نخستین استان شورشی سوریه قرار دارد. ولی نخست آن که درعا کم جمعیت‌ترین استان می‌باشد. ثانیا استان دروز نشین سویدا را در خاور خود دارد که تاکنون هیچ گونه همراهی و همدلی با درعا نداشته است. ثالثا درعا به واسطه استان‌های دمشق و دوما از کانون‌های آشوب شمال باختری جدا می‌شود. رابعا و به خصوص آن که اردن به عنوان همسایه‌ی جنوبی خود شاهد ناآرامی ها و بی ثباتی های پیوسته‌ی داخلی است و فرصت چندانی برای کمک به مخالفین اسد در خود نمی‌بیند.

۵- بنابراین تنها مرز مورد اتکای مخالفین، مرز طولانی ترکیه است. همین تک محوری بودن خط پشتیبانی خارجی، باعث شد که ناتو، اتحادیه عرب، ایالات متحده و مخالفین بر نقش محوری ترکیه در تحولات سوریه، صحه گذارند.

در تمام این مدت ناآرامی‌های سوریه، خط مرزی ترکیه- سوریه که دربرگیرنده بخش‌های شمالی استان های لاذقیه، ادلب، حلب، رقه و حسکه است. در کانون توجه برنامه‌های امنیتی- نظامی سوریه قرار داشته است. به گونه‌ای که کوچک‌ترین حرکات مرزی ترکیه و پناهندگان در جدار مرزی رصد می‌شود.

از سوی دیگر آنکارا بیشترین حمایت خود از مخالفین را بر مرزهای ترکیه با دو استان ادلب و حلب قرار داده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

نتیجه‌گیری

با وجود چنین چشم‌اندازهای جغرافیایی به نظر می‌رسد، موقعیت و توانایی اسد و رژیم بعث برای کنترل ناآرامی‌ها در کوتاه‌مدت و میان‌مدت مناسب است. زیرا:

۱- دولت اسد از حمایت دستکم ۲۵ تا۳۰ درصد علویان، مسیحیان، دروزها و یزیدیه برخوردار است.

۲- طبقه متوسط شهری به ویژه در کانون‌های دمشق و حلب هنوز جذب آرمان‌ها و ایدئولوژی مخالفین نشده اند

۳- محورهای استراتژیک مرزی تحت کنترل دولت اسد قرار دارد.

۴- عراق و لبنان حامیان بیرونی و همسایه دولت سوریه بوده و نقش اردن و اسرائیل تاکنون تا حدود فراوانی خنثی بوده است.

از سوی دیگر سوریه توانسته است با حمایت‌های روسیه و چین از اجماع بین المللی برای رویارویی با خود، آنچنان که در مورد قذافی اتفاق افتاد جلوگیری نماید. حتی روسیه با ارسال ناوگروه خود به مدیترانه و بنادر طرطوس، چشم زخمی از ترکیه گرفت.

با وجود این دولت بعثی تحت هدایت و رهبری خانواده اسد در سال های آینده ناگزیر است با تن دادن به قواعد شناخته شده‌ی مردم سالاری، زمینه را برای سپردن مسئولیت به اکثریت شهروندان مهیا سازد.

منابع و ماخذ

۱. سمیرامین(۲۰۱۱) **بهارعربی**، ترجمه: ناصر زرافشان، قبال طالقانی، قسمت دوم و پایانی، نشر پژواک ۱۱ دسامبر . برگرفته از :dostan.mondediplo.com/spip.php?acticle316 .

۲. لرد کین، راس(**۲۰۰۹**) **زندگی نامه کمال آتاتورک**، ترجمه اسماعیل نوری علا، انتشارات فروغ.

۳. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹) **مقدمه ای بر ایران و همسایگان: منابع تنش و تهدید**. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.

۴. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۷) **جغرافیای سیاسی کشورهای مسلمان**.(جزوه درسی). پردیس کرج دانشگاه تربیت معلم، بهمن ماه.

http:// fa.wikipedia.ory/viki.→ **Arabic Spring**

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]

http://supportkurds.org (2011) **Human rights issues cocerning kurds in Syria- 6may Tunisia protests against Benali left 200 dead.saya un**, bbc February 1, (2011)

http://www.bbc.co.uk/ **world Middle East 1234166.**

http://www.hrw.org/**Egypt_live_updates**.

Korotayeva, Z. (2011) **Egyptian revolution: a demographicstructural analysis**, Entelequia, revista interdiscipliar13.

Moshe, M. (1986) **the emergence of modern Syria, insyriaundeassad, croom helm**, beckenhem.

Philipsis. Khoury.syria. (1987) **Syria and French mandate: the politics farab nationalism.1920-1945**, Princeton university press. London1987

U.S.Department of State. (2006) **Syria- international religious freedom repovt2006**"→http://www.state.gov/g/dri/vis/vif/

www.**syrianow.sy**. (2012/10/1)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-10-12]